



دانشگاه یزد

پایان نامه

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری

عنوان

تحلیل شاخص‌های پایداری محله‌ای در منطقه سه شهر اصفهان

استاد راهنما:

دکتر صفر قائدرحمتی

استاد مشاور :

دکتر محمدرضا رضایی

پژوهشگر:

مهراب عاشورلو

۸۹۰۳۹۴۴

اسفند ماه ۹۱



دگرگونی در شرایط اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی شهرها و ورود تکنولوژی و افزایش سریع شهرنشینی و توسعه شهری تغییرات اجتناب ناپذیری را در شهرها و علی‌الخصوص محله‌های شهری ایجاد کرده است. به دلیل گستردگی ابعاد و تغییر در ماهیت مسائل شهری و پیچیدگی این مسائل جامع‌نگری و توجه به ابعاد و جنبه‌های مختلف مسئله به منظور حل پایدار آنها را اجتناب ناپذیر ساخته است. در این میان توجه و تاکید برنامه ریزی و مدیریت شهرها، بیشتر از هر زمانی به سطوح پایین تر و ابعاد ملموس زندگی شهری معطوف گشته است. محله از جمله این ابعاد و سطوح ملموس زندگی شهری محسوب می‌شود که رکن اصلی کالبدی و ساختار فضای شهر را شکل می‌دهد که توجه به این واحد اجتماعی در برنامه ریزی شهری با یک رهیافت مبتنی بر مهندسی اجتماعی می‌تواند پاسخگوی مشکلات شهری ما باشد. تحلیل پایداری و وضعیت شاخص‌های پایداری در سطح محله-های شهری به عنوان رهیافتی جهت دست یابی به توسعه پایدار شهری همواره یکی از اهداف و مدیران شهری بوده است. هدف این پژوهش تحلیل و سنجش شاخص‌های پایداری در بین محله‌های شهری منطقه سه اصفهان به عنوان نمونه مطالعاتی می‌باشد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی از نظر نوع، کاربردی-توسعه‌ای از نظر هدف و پیمایشی از نظر زمانی می‌باشد؛ روش گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای-اسنادی همراه به گردآوری میدانی (برداشت کالبدی و پرسشنامه) و روش‌های آماری استفاده شده در این پژوهش تحلیل خوشه‌ای و تحلیل مقایسه‌ای می‌باشد. نتایج تحقیق نشان دهنده نابرابری میزان پایداری در بین محله‌های چهارده‌گانه شهر اصفهان می‌باشد، بطوری که محله‌های خواجو، چرخاب، شهشان و باغ‌کاران در بالاترین سطح پایداری و بعنوان محله‌های پایدار و محله‌ای نقش جهان، قلعه تبره، گلزار، ملک و سنبلستان در سطح دوم پایداری و از نظر شاخص‌های پایداری متوسط و محله‌های احمد آباد، سرتاوه، جویباره، امام زاده اسماعیل و سرچشمه از نظر شاخص‌های پایداری در پایین‌ترین سطح و به عنوان محله‌های ناپایدار تحقیق شناخته شدند.

**کلمات کلیدی: شاخص، پایداری، محله، شهر اصفهان**

## فصل یکم

### طرح پژوهش

#### مقدمه

در این فصل در چند بخش مختلف به بیان طرح پژوهشی خواهیم پرداخت. بیان مسأله، علت و چرایی انتخاب این موضوع برای پژوهش را بیان خواهد نمود و در بخش ضرورت و اهمیت پژوهش به بیان علت وجودی انتخاب نمونه مطالعاتی پرداخته می‌شود. در سایر بخش‌ها به اهداف، فرضیات، سؤالات، تعریف مفاهیم و کلمات کلیدی و قلمرو پژوهش پرداخته خواهد شد.

#### ۱-۱- روش تحقیق

دستیابی به اهداف تعیین شده در هر پژوهش نیازمند تدوین روش تحقیق مشخص است. روش تحقیق باید به گونه‌ای باشد که ضمن تجزیه و تحلیل مسائل و ابعاد مختلف موضوع مورد نظر را از طریق فرضیات در نظر گرفته شده بتواند به نتیجه مطلوبتری دست یابد. بنابراین روش تحقیق، روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. (شکل ۱-۱).

روش تحقیق از نظر هدف و نوع کاربردی و توسعه‌ای می‌باشد و از نظر نوع بررسی و روش‌شناسی تحقیق توصیفی-تحلیلی از زمانی نیز جزء تحقیقات پیمایشی می‌باشد. محدوده جغرافیایی تحقیق منطقه سه شهرداری شهر اصفهان و جامعه آماری آن ساکنین محله‌های منطقه ۱۳ شهر می‌باشد- و جهت انجام تحقیق، با استفاده از روش نمونه‌گیری و ابزار پرسش‌نامه به جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده‌است.

تحقیق حاضر در ۴ مرحله کلی انجام شده است:

- ۱- جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعات میدانی و پرسشنامه‌ای،
- ۲- مراجعه به کتابخانه و اسناد معتبر، مراجعه به سازمان‌ها و ارگان‌های برای جمع‌آوری داده‌های تکمیلی

۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

#### ۲-۱- بیان مسأله

پایداری محله‌ای؛ امروزه بخش عظیمی از ادبیات و مبانی برنامه ریزی شهری را در بر می‌گیرد، اما آنچه امروزه در مبانی و سیاست های برنامه ریزی شهری جای خالی آن احساس می‌شود توسعه پایدار محله-ای است. این مسأله از آنجا ناشی می‌شود که در طرح‌های عمرانی شهری از جمله طرح‌های جامع، هادی و تفصیلی به دلیل توجه به ابعاد کلی شهر و عدم توجه به ابعاد و سطوح پایین‌تر و خردتر شهری از جمله "محله" قابلیت عینی شدن و دست یافتن به اهداف خود را نداشته‌اند. محله رکن اصلی کالبدی شهر را تشکیل می‌دهد و حفظ تعادل زندگی اجتماعی و پایداری شهر بستگی به توجه، به واحد محله در برنامه ریزی و مدیریت شهری به عنوان یک واحد ارگانیک و کوچک مقیاس با یک رهیافت و برنامه ریزی مبتنی بر مهندسی اجتماعی موفقیت آمیزتر از توجه به مقیاس کلان و مکانیکی شهر است. از جمله عوامل توجه به پایداری محله‌ای تنزل کیفیت زندگی در شهرها و ناپایداری اکولوژیکی و زیست محیطی شهری است. تحلیل شاخص‌ها و متغیرهای دست‌یابی به پایداری محله‌ای مسأله‌ای است اساسی که تاکنون کمتر مورد توجه و عنایت محققان و برنامه‌ریزان شهری قرار گرفته است و اگر هم مورد توجه قرار گرفته باشند بدون تعریف عملیاتی شدن و پشتوانه علمی فقط به صورت توصیفی بیان گشته‌اند. آنچه در این تحقیق مد نظر می‌باشد ارائه یکسری از معیارها و شاخص‌های پایداری محله‌ای همراه با تعریف عملیاتی و علمی و تحلیل و بررسی آن در سطوح محله‌ای در محلات منطقه ۳ اصفهان است.

بررسی و تحلیل شاخص‌های پایداری در محله‌های چهارده‌گانه منطقه سه شهر اصفهان و سنجش سطوح پایداری در این محلات از مسائل اساسی این پژوهش محسوب می‌گردد. علل اساسی انتخاب منطقه سه شهر اصفهان مرکزیت تاریخی آن نسبت به سایر مناطق شهری و شکل‌گیری محله‌های اولیه شهری و تاریخی در این منطقه و کاهش کیفیت زندگی در سطح محله‌های شهری این منطقه که منجر به کاهش سطوح پایداری در این منطقه گردیده از جمله علل توجه به پایداری و سنجش آن در سطح محله‌های شهری این منطقه می‌باشد.

### ۳-۱ - ضرورت و اهمیت پژوهش

شهر اصفهان یکی از کلان‌شهرهای تاریخی کشورمان محسوب می‌شود که از نظر تقسیمات شهری به ۱۴ منطقه تقسیم می‌شود که منطقه ۳ شهر مرکز شهری که مرکز تاریخی شهر و تقریباً به نوعی مرکز تجاری شهر را نیز تشکیل می‌دهد، دارای توان‌های بالقوه‌ای برای توسعه و اعتلای کمی و کیفی می‌باشد که این ویژگی منحصر به فرد باید بیشترین جلوه خود را در مناطق مرکزی نشان دهد که این چنین نبوده است و این شهر دارای مرکز گریزی بوده است و همچنین روند رشد جمعیت در مناطق مرکزی و تاریخی شهر دارای رشد کاهنده‌ای بوده است، فرسودگی بافت مناطق تاریخی گستره‌های بسیاری را بلا تکلیف گذاشته است، آلودگی

های زیست محیطی و شهری بیشترین جلوه را در این منطقه دارند، زیرساخت‌ها و خدمات شهری امروزی پوشش مناسب را در این مناطق ندارند، کارکردهای ناسازگار در این مناطق فعال هستند و کارکردهای سازگار و در شأن این مناطق به مناطق دیگر گرایش یافته اند. همه این عوامل باعث کاهش ارزش های هنوز باقی مانده و میزان شاخص های پایداری شهری و محله‌ای در این مناطق شده است (مهندسين مشاور نقش جهان پارس؛ ۱۳۸۲: ۱۷). باتوجه به آنچه گفته شد بررسی و تحلیل میزان پایداری محله ای در این منطقه یکی از ضرورت ها محسوب می شود که در منطقه سه به علت ویژگی های منحصر به فرد تاریخی، اجتماعی و فرهنگی... این ضرورت بیشتر احساس می شود.

#### ۴-۱- اهداف پژوهش

اهداف، مقاصد نهایی محقق را، در فرآیند تحقیق، در بر می گیرد که می تواند با توجه به اهمیت آنها به اهداف اصلی و فرعی تقسیم گردند.

#### ۴-۱-۱- اهداف اصلی

هدف اصلی در این پژوهش تحلیل و ارزیابی شاخص های پایداری محله ای با تعریف علمی و عملیاتی این شاخص ها و دست یابی به میزان پایداری در محله های منطقه سه شهر اصفهان می باشد.

#### ۴-۱-۲- اهداف فرعی

- ۱- مقایسه بین محله های ۱۴ گانه منطقه سه اصفهان از نظر شاخص های پایداری سطح بندی آنها به در سه سطح: پایدار، نیمه پایدار (پایداری در وضعیت متوسط)، ناپایدار.
- ۲- شناخت عوامل کاهنده ی پایداری محله ای در محله های منطقه سه شهر اصفهان.

#### ۵-۱- سوالات پژوهش

- ۱- آیا پایداری در محلات شهری منطقه سه اصفهان یکسان می باشد؟
- ۲- آیا بین میزان عدالت اجتماعی (تخصیص منابع) در محلات منطقه سه شهری اصفهان و پایداری محلات شهری رابطه ای وجود دارد؟

#### ۶-۱- فرضیات پژوهش

- ۱- پایداری محله ای در محلات منطقه سه شهری یکسان نمی باشد.
- ۲- بین شاخص عدالت اجتماعی (تخصیص خدمات) و پایداری ارتباط وجود دارد.

## ۱-۷- تعریف نظری واژگان کلیدی

در هر طرح پژوهشی نیاز داریم ابتدا کلمات کلیدی و مهم پژوهش تعریف شود، در این پژوهش ما دو مفهوم پایداری و محله شهری را مورد تعریف قرار می دهیم.

### ۱-۷-۱- پایداری

مفهوم پایداری بسته به شرایط زمان ، مکان و جوامع مختلف تفاوت می کند و به همین جهت امکان تفسیر و تعمیم یک برداشت خاص از مفهوم پایداری وجود ندارد. برای تحلیل وضعیت پایداری باید سه بعد را در نظر گرفت: بعد سیاست عمومی، بعد تاریخی و بعد ارزش های جایگزین. پایداری یک نسخه تجویزی برای ارزش گذاری اجتماع نیست، بلکه مدافع ارزش های موجودی است که با اشکال خاصی از بازتولید و رفتار، گره می خورد. علاقه و تمایل نسبت به بحث پایداری به دو موضوعی مربوط می شود که محل تلاقی میان امیال و آرزوهای انسانی و تفوق و برتری طبیعت است. اولین فرایند مستلزم یافتن ارزش های اقتصادی یا معرف های برای پدیده های اقتصادی و اجتماعی- یعنی صرفه جویی اجتماعی است- فعالیت های انسانی به زبان اقتصادی برگردانده می شوند و از هر دو زمینه محیطی و فرهنگی خود فاصله می گیرند. فرایند این دومدار در بر گیرنده ارزیابی مجدد از طبیعت است- یعنی آمیخته با اجتماع- و به موضوعی تبدیل می شود که قابل کنترل و مدیریت بوده و می تواند از طریق شاخص های کمی، مورد ارزیابی قرار گیرد. هر دو روند در مفهوم توسعه پایدار که تناقض میان امیال انسانی برای تسلط بر طبیعت و وابستگی شدید انسان به نظام های طبیعی و محدودیت اکولوژیکی را نمایان می سازد، طرح می شود (Redclift, ۲۰۰۰، ۵۲).

پایداری به عنوان وجه وصفی توسعه، وضعیتی است که در آن مطلوب بودن و امکانات موجود در طول زمان کاهش پیدا نمی کند و از کلمه Sustene (Sus به معنی از پایین و Tenere یعنی نگه داشتن) به معنای زنده نگهداشتن یا نگه داشتن گرفته شده که بر حمایت و دوام بلند مدت دلالت می کند (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۴: ۵).

فرهنگ آکسفورد پایداری را به این صورت تعریف می کند: توانایی دوام یا فقط انجام کاری به طور دائم. بنابراین پایداری دانش توانایی بر ثبات و صفت پایدار توصیف کننده تداوم یا حفظ وضعیت برای موصوف خود می باشد. در نتیجه موصوف است که به واژه پایداری معنا می دهد. این مفهوم در حوزه مطالعات جغرافیای به ویژه جغرافیای انسانی ریشه در یک اصل اکولوژیکی دارد. بر اساس این اصل اگر در هر محیطی به اندازه توان طبیعی توان طبیعی فراوری محیط زیست، بهره برداری یا بهره برداری انجام شود اصل سرمایه منابع اکولوژیکی به

طور پایدار باقی می‌ماند و استفاده ما از محیط به اندازه آن توان تولیدی همیشه پایدار است (مخدوم، ۲۴؛ ۱۳۷۸).

پایداری یک فرایند محلی، آگاهانه، مشارکتی و توازنی می‌باشد که در یک محیط اکولوژیکی متوازن اجرا می‌شود بدون آن که مسائل خود را به مناطق اطراف خود صادر و یا بر دوش نسل‌های آینده بگذارد (خلیل-نژادی، ۱۳۸۷؛ ۱۶۹). اگر مفهوم پایداری عبارت از پایدار کردن کیفیت زندگی مردم باشد، اهداف اجتماعی و اقتصادی با سهولت بیشتری قابل شناسایی خواهند بود. اهداف اجتماعی شامل دستیابی به برابری و حفظ تنوع فرهنگی، ارتقای نقش خانواده، افزایش حس جمعی و شهروندی، دستیابی به کیفیت و بهتر کردن کیفیت زندگی است (بدری و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۲؛ ۱۴-۱۳). اما پایداری را در این پژوهش می‌توان به معنا و مفهوم ایستایی و ثابت بودن وضعیت شاخص‌های توسعه در سطح محله‌های شهری دانست بطوری که این شاخص‌ها در سطح یکسانی در بین محله‌ها تقسیم و عدالت اجتماعی در این پایداری برقرار باشد.

#### ۱-۷-۲- محله شهری

محله مفهومی جغرافیایی و اجتماعی است. از نظر فیزیکی قسمتی از شهر است که به وسیله مرزهایی مشخص شده است که این مرزها می‌توانند شبکه راهها، راه آهن، رودخانه، کانال‌ها و فضاهای باز باشند و دارای گونه‌های یکسانی از واحدهای مسکونی است. محلات با حریم مشخص و گاه کاملاً بسته از مشخصات اصلی ساختار شهرهای اسلامی محسوب می‌شوند. محله مجموعه‌ای از خانه‌ها و معابر بوده که با توجه به امکانات ساکنان کاربرهای عمومی در آن پیش بینی می‌شده (تابان، محسن و دیگران، ۱۳۸۷؛ ۹۳). محله را می‌توان از ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، معماری، جغرافیایی و برنامه ریزی شهری تعریف کرد، در ضمن این تعاریف در میان جوامع و کشورهای گوناگون متفاوت است. راجرز کاز محله را در تعریف جغرافیایی خود شامل بخشی از شهر می‌داند که شهروندان (همسایگان) در آداب رسومی که در آن مکان مشخص وجود دارد با یکدیگر شریک هستند و از یک طیف اجتماعی خاص تشکیل می‌شود (Cause.R, ۲۰۰۵: ۳۲۹) یا بخش قابل تفکیکی از منطقه شهری با کاربری‌های مختلف که بصورت ساختار یکپارچه شهری در آمده است (cwan, ۲۰۰۵: ۲۵۶).

در ادبیات جهانی دو واژه *Nieghbourhood* و *Township* می‌توان به مفهوم محله ترجمه کرد، این در حالی که جمعیت آنها به ترتیب برای ۲۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ و ۱۵۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ نفر را در بر می‌گیرد. واژه‌ی اول، محله مسکونی است که دارای هویت مشخصی است اما واژه دوم علاوه بر بزرگی اندازه دارای فرصت‌های شغلی متنوع است (Barton, etal, ۲۰۰۳، ۲۲). آنچه روشن است تعریف محله در ابعاد جهانی با شاخص‌ها و معیارهای متفاوتی بیان می‌گردد که همانطور که بیان گردید در کشورهای غربی معیار متداول جمعیت می‌باشد، اما در ایران تعریف از محله دارای تعاریف گوناگونی می‌باشد. بعنوان نمونه محله به محیطی



جغرافیایی و کالبدی و اجتماعی که در آن روابط بین فردی یا رابطه بین فرد- ساکنین محله مطرح است (نوریان و رضایی، ۱۳۸۵، ۳۶). اما در یک تعریف رسمی دیگر که بعنوان یک منبع در تعاریف محله استفاده می شود محله در ایران کالبد اشتغال و سکونت ۷۰۰-۱۲۵۰ (در حدود ۶۲۵۰-۳۵۰۰ نفر) با دامنه نوسان و شعاع دسترسی پیاده (۴-۵ دقیقه) در این تعریف محله دارای عناصر اصلی در دو سطح شاخص (مدرسه ابتدایی و مسجد) و سطح عناصر توزیعی (مراکز تجاری خرید روزانه و هفتگی - پارک محلی - مراکز ورزشی و بهداشتی) که استخوان بندی محله را تشکیل می دهد (حبیبی و مسائلی؛ ۱۳۷۸: ۱۳). با توجه معانی و مفاهیم که بیان شد محله را به مفهوم یک واحد ترکیبی اجتماعی و فیزیکی متشکل از تعداد مشخصی از افراد مسکون در یک بافت فیزیکی و مسکونی با مرزهای اجتماعی و شهری مشخص که ساکنان آن با هم در ارتباط تنگاتنگ و روابط عمیقی از نظر اقتصادی، همسایگی، مذهبی و اجتماعی با یکدیگر دارند؛ لازم به ذکر است نمی توان تعداد خاصی برای این واحد شهری تعریف کرد چون در هر شرایط جغرافیایی، اجتماعی، شهری و مذهبی بستگی به خصوصیات افراد شهری تعداد متفاوتی برای این واحد در نظر گرفته می شود.

#### ۱-۸- قلمرو پژوهش

اصفهان شهری دارای ۱۴ منطقه می باشد که منطقه سه شهر به وسعت ۱۱۱۸ هکتار در آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ دارای ۱۱۹۱۸ نفر جمعیت بوده است که ۷/۴ درصد از کل جمعیت شهری شهر اصفهان را به خود اختصاص داده است، که با متوسط تراکم ناخالص ۱۱۱ نفر در هکتار در سطح منطقه سه پراکنده شده اند. این منطقه در مرکز تاریخی و تجاری شهر اصفهان قرار دارد و حدود چهارگانه این منطقه از شمال به فلکه شهدا در مسیر خیابان مدرس تا میدان قدس - میدان سروش تا میدان احمد آباد، از شرق میدان احمد آباد تا میدان بزرگمهر، از جنوب میدان بزرگمهر در مسیر زاینده رود تا میدان انقلاب و از غرب میدان انقلاب تا فلکه شهدا می باشد. محله های شهری منطقه سه شهر اصفهان شامل چهارده محله می شود که قلمرو پژوهش ما را تشکیل می دهد. این محله ها شامل احمدآباد، سرچشمه، سنبلستان، شهشهان، نقش جهان، سرتاوه، جویبار، گلزار، امامزاده اسماعیل، قلعه تیره، ملک، باغ کاران، خواجو و چرخاب می شود. در فصل سوم به تشریح کامل قلمرو پژوهش پرداخته شده است.

## فصل دوم

### پیشینه و مبانی نظری پژوهش

#### ۱-۲ - مقدمه

از گذشته‌های دور، محلات مسکونی شهرها به عنوان سلولهای حیات شهری دارای نقش اساسی در زندگی ساکنان آنها داشته‌اند. با توجه به این در گذشته محلات شهری، مکانی برای گرد آمدن افراد با ویژگی‌های قومی، نژادی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی مشترک بوده است. به دنبال تجمع بیشتر افراد با ویژگی‌های مشترک در یک محدوده، آن بخش از شهر دارای هویت خاص و شناخته شده‌ای بوده که سبب تمایز آن از دیگر بافت‌های اطراف می‌گردید. در چند دهه اخیر، با تغییرات شگرف در شیوه زندگی، در ساختار محلات نیز تغییرات اساسی ایجاد شده است. در این میان با مطرح شدن دیدگاه توسعه پایدار به عنوان دیدگاهی که حل مشکلات کنونی شهرها و زندگی شهری را در گرو بازگشت به مفهوم محله می‌داند، می‌توان با استفاده از نیروهای توانمند درون‌زا و سرمایه‌های اجتماعی موجود در آن به حل مشکلات پرداخت. ساختار فضایی محلات مجموعه‌ای مرکب از فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی، کارکردها و عناصر شاخص کالبدی و همچنین شریان‌های ارتباطی و فضاها یا عرصه‌های عمومی است. این ساختار، شبکه فضایی بهم پیوسته را تشکیل می‌دهد، که به عنوان رشته ارتباط دهنده محلات به رده بالاتر کالبدی، یعنی منطقه و ناحیه و در نهایت شهر، حیات و سرزندگی را به آنها منتقل می‌کند. فضاهای عمومی محله تبلور فعالیت‌های اجتماعی هستند. این مجموعه شالوده سازمان فضایی، کالبدی در سطح شهر و اجزاء آن را تشکیل داده و بیانگر ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و به عبارتی بیانگر هویت آن جامعه است. محلات شهری به رغم اهمیت تاریخی خود، امروزه در نظام دهی به الگوی سکونت شهری نقش کم‌اهمیتی را دارا هستند. بحث و بررسی درباره‌ی مفاهیم، مبانی و تعاریف محله و توسعه پایدار محله از اهداف این فصل می‌باشد؛ که در سه بخش پیشینه تحقیقات صورت گرفته در این زمینه، تعاریف - مفاهیم و ایده‌ها - نظریه‌ها که در چارچوب فرضیات پژوهش به آن پرداخته می‌شود.

## ۲-۲- پیشینه پژوهش

در این مبحث به بررسی تحقیقات صورت گرفته در زمینه پژوهش پیش رو در دو قسمت تحقیقات خارجی و داخلی می‌پردازیم.

### ۲-۲-۱- تحقیقات خارجی

ابن صالح<sup>۱</sup> (۲۰۰۲)، در مقاله ای با عنوان تحول در محله های مسکونی ظهور فرهنگ جدید در شهرنشینی عربستان که به بررسی تفاوت محله های سنتی و جدید پرداخته است و محله های جدید تجربه ای جدید از ایده های محله های مسکونی در ایالات متحده می‌داند.

مرجان دروکر<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۵)، در مقاله ای با عنوان "بی‌ثباتی مسکونی در محلات فقیر" از لحاظ اجتماعی اقتصادی به بررسی کیفیت زندگی در محلات شهری با بررسی شاخص های عمده اجتماعی- اقتصادی می‌پردازد. نتایج نشان داده؛ بی‌ثباتی مسکونی را نتیجه‌ای از کاهش میزان شاخص های نام برده می‌داند. محافظت ساکنان در برابر فقر را عاملی برای افزایش کیفیت زندگی در سطح محله می‌داند.

وو لی<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۶)، نیز در تحقیقی به "بررسی رابطه ساختار فضایی شهر و پایداری محله ای" که بیشتر محله را از لحاظ متغیرهای فیزیکی و کالبدی بررسی کرده و شاخص رضایتمندی را از دیدگاه ساکنان محله در ارتباط با نوع طراحی فیزیکی محله بررسی می‌کند. در نهایت تنوع طراحی محیط از جمله طراحی انواع مختلف فضای سبز را علت رضایتمندی می‌داند. نتایج نشان داده؛ یک استراتژی کلان مدیریتی در طراحی محیط محله‌ها می‌تواند رضایتمندی ساکنان و افزایش بهبودی چشم انداز محله را تضمین کند.

علیزاده (۲۰۰۷)، در مقاله ای "تغییر مفهوم فضاهای عمومی محله ای در شهرهای کردستان" را بررسی می‌کند در این پژوهش به تفاوت‌های فضاهای عمومی محله‌ای را درسه شهر کردی، ایرانی و اسلامی می‌پردازد. نتایج این بررسی نشان داده؛ فضاهای عمومی محله‌ای با توجه به فرهنگ کرد متفاوت با آن در سطح شهرهای ایرانی و اسلامی است. این تفاوت را ناشی از ایدولوژی و مکتب‌های فکری متفاوت در این سه نوع شهر می‌داند.

آقای لی چارلز<sup>۴</sup> (۲۰۰۸)، در مقاله ای با "عنوان توسعه پایدار محله ای" به بررسی و ارائه معیارهای پایداری در سطوح محله ای می‌پردازد در شهر ریاض و عدم توسعه یافتگی در شهر را عدم توجه به توسعه محلات می‌داند و برخی از نظریات پایداری محله ای از جمله پری و هووارد را بررسی کرده است. نتایج

<sup>۱</sup> Mohammed Abdullah Eben Saleh

<sup>۲</sup> Marjan Drukke

<sup>۳</sup> Sang-Woo Lee

<sup>۴</sup> Charles L. Choguill

تحقیق نشان داده استفاده از این ایده‌ها منجر به ایجاد محله‌های جدید در حاشیه شهر بر اساس ایده‌های فوق شده. این محله‌های جدید در مقایسه با بافت تاریخی در دست یابی به پایداری محله‌ای موفق‌تر بوده‌اند. چی یونگ<sup>۵</sup> و لی یونگ<sup>۶</sup> (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای به "بررسی نقش انسجام محله‌ای در توسعه پایدار جامعه" پرداخته‌اند که نتایج حاکی از آن است که تجانس و یک‌دستی در یک محله احساس رضایت ساکنان و نقش هویت بخش به محله را دارند و عدم تجانس از هم گسیختگی اجتماعی و کاهش پایداری را در محله به دنبال دارد.

ارکان<sup>۷</sup> (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای چالش‌های موجود در محلات تاریخی شهر استانبول جهت رسیدن به جوامع پایدار و نقش سیاست‌ها و طرح‌های بازسازی و ساماندهی را در رسیدن به پایداری را بررسی می‌کند. نتایج نشان داده؛ سیاست‌های داخلی در جهت پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا باعث کم‌توجهی به محله‌های تاریخی استانبول شده است. ایجاد جوامع پایدار محله‌ای در مراکز تاریخی را در گرو بازنگری سیاست‌های دولتی در طرح‌های ساماندهی این محله‌ها می‌داند.

زنگی آبادی، سلطانی و مهین (۲۰۱۲)، در مقاله‌ای با عنوان "محله راهکاری برای افزایش حس رضایت در مکان‌های شهری اصفهان" به بررسی عوامل مؤثر در افزایش حس امنیت زنان در مکان‌های شهری می‌پردازند. نتایج نشان داده؛ الگو و مفهوم محله در شهرهای ایرانی را راهکاری برای مقابله با فرهنگ مدرنیسم غربی می‌باشد. این الگو یک پیشنهاد و راهکار برای افزایش حس رضایتمندی و امنیت زنان در فضاهای شهری می‌داند.

## ۲-۲-۲-تحقیقات داخلی

تحقیقات زیادی در خصوص موضوع محله صورت گرفته است که عموماً به صورت توصیفی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند و تحقیقات کاربردی صورت گرفته در این زمینه بیشتر با محوریت ساماندهی محله‌ای بوده‌اند و تحقیقات صورت گرفته در زمینه شاخص‌های پایداری محدود بوده‌اند.

هودسنی (۱۳۸۴)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان بهبود ساختاری-فضایی محلات شهری در چارچوب توسعه پایدار شهری (محله جلفا) به فرایند احیاء مفهوم محله و کارکردهای آن پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، گسست در ساختار فضایی محله و از بین رفتن هویت کالبدی محدوده سبب از بین رفتن ساختار اجتماعی پیوسته میان ساکنان و کاهش ارتباطات و تعاملات میان مردم گردیده است. همچنین نتایج نشان داده که ایجاد شبکه‌های اجتماعی قوی در قالب گروه‌ها و اجتماعات محلی و ایجاد

<sup>۵</sup> Chee Young

<sup>۶</sup> Lee yuong

<sup>۷</sup> Müge Akkar Ercan\*

زمینه‌ها برای برقراری ارتباط میان ساکنین، می‌تواند به صورت مؤثری بازخوردی مرثر سبب حل مشکلات شود (هودسنی، ۱۳۸۴: ۱۲).

وحدانی (۱۳۸۴)، پایان نامه کارشناسی ارشد خودامکان سنجی ظرفیت های توسعه محله ای جهت رسیدن به توسعه پایدار شهری در این پایان نامه محقق به ظرفیت های توسعه ای محله در محلات قدیمی شهر تبریز برای رسیدن به توسعه پایدار و عدم گسترش افقی تبریز می پردازد. در این پژوهش با استفاده از فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) به بررسی و تحلیل هر یک از ظرفیت‌های موجود در محله کلکته چی تبریز پرداخته شده، تا ظرفیت‌های موجود در این محله شناسایی و سهم هریک در توسعه محله مشخص گردد، سپس امتیاز هر یک از ظرفیت‌های موجود در محله با امتیاز ظرفیت‌های الگوی توسعه شهری مقایسه گردیده تا میزان تطابق هر یک از ظرفیت‌هایی موجود با الگوی توسعه پایدار شهری معلوم شود؛ با استنتاج از نتایج فرآیند تحلیل سلسله مراتبی نشان می‌دهد بهترین ظرفیت در محله جمعیت پذیر کرده آن است (وحدانی، ۱۳۸۴: ۷).

عزیزی (۱۳۸۵)، به صورت طرح پژوهشی با عنوان محله مسکونی پایدار (نمونه‌ی مطالعاتی: محله نارمک تهران) که در این طرح پژوهشی تعدادی از شاخص های پایداری محله ای ارائه می گردد که مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرند و در پایان محله نارمک به عنوان یک محله پایدار شناسانده می‌شود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اصول و معیارهای پایداری محله‌ای در حد بالای در نارمک تحقق یافته است. با این وجود، آنچه بعنوان هشدار و دغدغه جدی مطرح است، ظرفیت قابل تحمل محله است. محله نارمک به آستانه ظرفیت‌های جمعیتی و ساختمانی رسیده، و چنانچه نظارت مستمر بعنوان یک اصل مهم مورد غفلت قرار گیرد، اصول و معیارهای پایداری که تا اکنون تحقق یافته‌اند، از دست خواهند رفت.

حاجی پور (۱۳۸۵)، در مقاله ای با عنوان برنامه ریزی محله- مبنا رهیافتی کار آمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار به تحلیل و بررسی مفهوم، جایگاه و نقش رهیافت محله مبنا پرداخته و ظهور پارادایم‌های جدید را در برنامه ریزی شهری بررسی می‌کند و این رهیافت را بعنوان یک پارادایم جدید در مدیریت شهری معرفی می‌کند. نتایج این تحقیق نشان داده که رهیافت مذکور در جستجوی تعامل اجتماعی بوده و مشارکت بازیگران محلی را در دستور کار قرار داده است، تسهیل کننده و هماهنگ کننده بوده و کمتر به مداخلات کالبدی- فضائی پرداخته و با نگاه فرایندگرا به پایداری تصمیمات در سطوح مختلف خواهد انجامید.

خنده رو(۱۳۸۷)، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی شهری با موضوع بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر شکل گیری آن در سطح محله(مطالعه موردی محله های منطقه ۹ شهرستان مشهد) به بحث و بررسی درباره ی نقش و اهمیت سرمایه ی اجتماعی در دست یابی به هویت و پایداری می پردازد. یافته های این تحقیق نشان می دهد که میانگین سرمایه اجتماعی افراد در سطح محله در یک طیف ۵ قسمتی ۲/۹۹ بوده است. همچنین از بین عوامل موثر بر شکل گیری سرمایه اجتماعی شرکت در مراسم مذهبی در محله بالاترین تأثیر را دارد، وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی با ثبات مسکونی و ویژگی های محل زندگی افراد نیز تأیید گشته است. بین همگونی افراد در محله و سرمایه اجتماعی رابطه مثبت وجود داشته اما به لحاظ آماری معنادار نبوده است. در سطح فردی بین تحصیلات و سرمایه اجتماعی در محله رابطه معنادار منفی وجود دارد. بین تعداد افراد خانواده و سرمایه اجتماعی نیز رابطه مثبت و معناداری وجود داشته است.

قاسمی و نگینی(۱۳۸۹)، به بررسی تأثیر بافت محلات در هویت محله ای می پردازد و عوامل مداخله گر و تأثیرگذار بر احساس هویت مندی، تشخیص و تمایز هویت بخشی در محلات را معرفی می کند. نتایج تحقیق نشان داده سطح بافت محلات بر هویت اجتماعی محله ای تأثیر دارند. همچنین سطح متغیر نفوذ پذیری و سطح متغیر در هم تنیدگی بر احساس هویت محله ای تأثیر داشته است.

معصومی(۱۳۹۰)، طرح پژوهشی تحت حمایت شهرداری تهران با عنوان توسعه محله ای در راستای پایداری کلانشهر تهران به بررسی و تحلیل نقش مشارکت شهروندان محله های شهری در رسیدن به توسعه پایدار محله ای پرداخته است. نتایج این طرح پژوهشی نشان داده دو نظریه "توسعه پایدار" و "محیط گرایی فرهنگی" منجر به تبیین دیدگاه توسعه محله ای پایدار گشته است. همچنین هویت در کنا مشارکت بعنوان یک حلقه مفقوده جامعه کلانشهرهای ما را بهبود ببخشد، زیرا تا زمانی که کسی احساس تعلق خاطر به محل سکونت نکند، هیچ مشوقی برای مشارکت در توسعه شهری نخواهد داشت.

## ۲-۲-۳- نتایج حاصل از پژوهش های پیشین

نتایج مطالعات گذشته نشان می دهد که اهمیت دادن بیش از حد به کلانشهرها، رویکرد تفکر و تصمیم گیری از بالا به پایین و یک جانبه نگری و عدم هم خوانی طرح ها و برنامه ها با شرایط موجود سبب گسست در ساختار فضایی محله و از بین رفتن هویت کالبدی محله و عدم انسجام ساختار اجتماعی پیوسته میان ساکنان محله، کاهش ارتباطات و تعاملات میان مردم گردیده است. همچنین نتایج مطالعات نشان می دهد که اهمیت دادن به واحد محله، دادن اختیار و قدرت به مدیریت محله و ارزش دهی واقعی به نقش شهروند و ساکن محله برای تصمیم گیری می تواند نتایج پرباری را سبب شود. چون برنامه ریزی در شهر برای مردم است، بنابراین اجتماعات در صدر اهداف برنامه ریزی باید لحاظ شوند. پس چه بهتر که برنامه ریزی توسط مردم برای خودشان صورت گیرد، زیرا با موقعیت و شرایط محله شان بهتر آشنا هستند.

بررسی توسعه محلات شهری با رویکرد دستیابی به شاخص‌های پایدار در پژوهش‌های پیشین یکی از اهداف اساسی اکثر پژوهش‌های پیشین بوده است که راهکارهای برای دستیابی به پایداری در محلات شهری ارائه داده‌اند که عبارت است از:

- ارزش گذاری به مردم در مدیریت شهر در سطوح محله‌ای برای جلوگیری از تمرکزگرایی از مدیریت شهری.  
- ویژگی‌های بافت محله تاثیر و ساکنان محله تاثیری دو سویه بر یکدیگر دارند و باعث شکل گیری یک هویت ویژه برای هر محله می‌گردد که وجه تمایز آن را با سایر محلات نشان می‌دهد.  
- علاوه بر اصول معمول در برنامه ریزی و طراحی محلات، اصل ظرفیت قابل تحمل محله می‌باید به عنوان یک اصل تعیین کننده و اجتناب ناپذیر برای پایداری محله‌ها مورد توجه قرار گیرد.  
- تشکیل و تقویت جامعه مدنی در گرو اعتلای نقش «اجتماع محلی» است؛ که با دتشکیل انجمن‌ها، شوراهای و تشکلهای مردمی محقق می‌شود. جامعه مدنی می‌تواند پیوندی درونی با عرصه‌های عمومی و شهروندی و حکومت محلی برقرار سازد و بنابر نظر گیدنز، به تجدید حیات اجتماعی و حفاظتی از حوزه عمومی محلی بپردازد.

- دستیابی به پایداری در توسعه محله‌ای بدون توجه به پتانسیل‌های نهادی و انسانی و بهره گیری از تمامی ظرفیت‌های فردی و گروهی امری غیر قابل اجراست، توجه به سرمایه‌های اجتماعی در دست یابی به این پتانسیل و ظرفیت اجتماعی در هدف پایداری محله‌ای از پیش نبالهای آنت محسوب می‌شود.

## ۲-۳- تعاریف و مفاهیم

### ۲-۳-۱- مفهوم محله

در تبیین و تعریف واژه محله معیارهای کالبدی یا فیزیکی و نیز معیار اجتماعی، بیشترین کاربرد را دارد. در محاوره‌های فارسی محله یک واحد اجتماعی و محل سکونت اقشاری از جامعه است که به ویژه از نظر اجتماعی دارای وجوه مشترک باشند. به لحاظ معنایی محله جای حلول، فرود، جا و مکان می‌باشد (معین؛ ۱۳۷۰: ۳۹۲).

در زبان انگلیسی نیز محله در مفاهیم مختلفی مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس محله یک واحد اجتماعی و محل اجتماع سهمی از جمعیت به منظور سکونت و زندگی می‌باشد. در سلسله مراتب تقسیمات شهری، محله یکی از بخش‌های کوچک شهر به شمار می‌آید و از خانه‌های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی خاص تشکیل می‌شود (شکوئی؛ ۱۳۶۹: ۴۸). محله به لحاظ ایجاد حس تعلق مکانی در افراد از چنان جایگاهی برخوردار است که خانواده‌ها نسبت به آن همان احساس خانه مسکونی خود را دارند و با ورود به محله، خود را در یک محیط آشنا و خودی می‌بینند. بنابر تعریف حسین شکوئی، محله از تجمع، پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط محکم همسایگی و اتحاد غیر رسمی میان گروهی بوجود می‌آید و برای تشکیل

آن شرایط چندی لازم است؛ ۱- دارا بودن یک حوزه جغرافیایی از شهر با وسعت کم یا زیاد ۲- پیدایش و تکوین یک اجتماع کوچک از مردم ۳- وابستگی اجتماعی میان گروهی از مردم (شکویی؛ ۱۳۶۹، ۴۹).

لینچ محله‌ها را منطقه وسیعی می‌داند که به دلیل برخورداری از برخی خصوصیات مشترک و خاص قابل شناسایی است، به گونه‌ای که فرد به طور ذهنی ورود به آن را حس می‌کند (چپ من؛ ۱۳۸۴: ۱۹). سازمان و استخوان‌بندی محله می‌تواند یکی از محورهای کلیدی در تعریف محله باشند. وجود و تداوم محور اصلی محله همراه با گذرهای پیاده، شبکه‌ای از مراکز فرعی محله و وحدت شکلی آن را باید چارچوب و استخوان‌بندی اصلی محله دانست (عزیزی؛ ۱۳۸۵: ۳۶). محله با جنبه‌های فیزیکی و ریخت‌شناسی (موقعیت در شهر، دوره ساخت، کارکردها و گروه‌های اجتماعی مسلط) مشخص می‌گردد (ربانی؛ ۱۳۸۵: ۱۵۳). در ایران محله کالبد سکونت ۱۲۵۰-۷۰۰ خانوار با دامنه نوسان شعاع دسترسی پیاده (۴-۵ دقیقه) تعریف می‌شود؛ در این تعریف، محله دارای عناصر اصلی است که در شکل‌گیری آن نقش تعیین‌کننده دارد (حبیبی و مسائلی؛ ۱۳۷۸: ۱۳). اما به‌طور کلی می‌توان گفت برای محله شاخص‌هایی نظیر جمعیت، سطح و شکل معرف-های مناسبی نیستند. در مقابل، عواملی نظیر هویت قابل تشخیص، ادراک ساکنین، نام و مرزهای کالبدی، معرف محله‌ها هستند (عزیزی؛ ۱۳۸۵: ۳۷). شارون معتقد است در یک محله مشاهده کنش متقابل دشوار است اما در آنجا هم کنش متقابل وجود دارد. پیاده‌روها، مغازه‌ها، گوشه‌های خیابان‌ها، زمین‌های بازی و صدها محل دیگر موقعیت‌های مناسبی برای کنش متقابل مردم با یکدیگر هستند. همه با یکدیگر در یک زمان کنش متقابل ندارند، اما اگر با دقت مشاهده کنیم، الگویی از کنش متقابل میان مردم در یک ناحیه را مشاهده می‌کنیم که شدیدتر و پیوسته‌تر از کنش‌های متقابل میان آنها و افراد خارج آن ناحیه است. این یکی از دلایلی است که ما اعلام می‌کنیم آنجا یک محله است (شارون، ۱۳۸۲: ۷۸).

مفهوم محله در برخورد نخست تداعی‌کننده حوزه جغرافیایی پیچیده در شبکه فضایی شهر است که دارای کاربری در درجه نخست مسکونی و آن‌گاه دیگر از کاربری‌های اداری، تجاری، خدماتی و مانند آن است. "واقعیت جامعه شناختی محله به مراتب پیچیده‌تر است. به نظر جامعه‌شناسان، معرف‌های سنتی محله با واحد حیات جمعی و جامعه‌پذیری در ارتباط است. این رویکرد، به طرح خدمات روزانه حیات اجتماعی شهروندان با اشکال سنتی روستا و غیره توجه خاص دارد. در نتیجه بسیاری از شهرها، بر محله‌های حرفه‌ای با اشکال سازمانی به شکل مطلوب تاکید دارند" (ربانی، ۱۳۸۲: ۱۵۴).

به نظر مرلن، سیمای اجتماعی محله و وحدت عمومی اعضای آن است. در چنین جامعه‌ای تقسیم فضاهای زندگی بین اعضای محله به صورت مبادله‌ای با متدولوژی خاص می‌باشد. انقلاب صنعتی و دیگر پدیده‌های شهری کم‌تر این اسطوره‌ها را دگرگون ساخته‌اند. این سیمای مبین معرف‌های جمعی در الگوهای مختلف محله است. لذا محله را با دیدگاه‌های مختلف از لحاظ ایدئولوژی و... غیره باید مورد توجه قرار داد (معصومی، ۱۳۹۰: ۵۷).



محلّه را می‌توان پس از خانوار کوچک‌ترین واحد «مدنی» (صرف نظر از مجتمع مسکونی) محسوب کرد. ارزش‌های انسانی- معنوی، سنت‌ها و آداب زیست‌شهرنشینان چنین نشان می‌دهد که دشوارترین و پرشورترین لحظه‌های زندگی آن‌ها در محله‌های مسکونی سپری شده است؛ سازش‌ها با زیاده‌خواهان حکومتی و مذهبی را ساکنان محله‌های شهری خنثی می‌کردند، از گذشته‌های دور تا اکنون، همبستگی‌ها و همزیستی‌های مدنی، شهرنشینان را سرزنده و پایدار می‌کرده است. زیست‌شهری ایرانیان در سه لایه (سطح) متقاطع صورت می‌گیرد. این سه سطح عبارتند از: خانه مسکونی، محله شهری و شهر (فلامکی، ۱۳۸۳: ۴).

## ۲-۱-۳-۲- سیر تحول فرهنگ و مفهوم محله در تاریخ ایران

تاریخ محله و زندگی در محلات شهری به قدمت تقریبی شهرنشینی در ایران است. به دلیل فقدان اسناد و منابع قابل اعتماد، شناخت و قضاوت در خصوص چگونگی شکل‌گیری زندگی جمعی در محلات شهرهای باستانی بسیار دشوار است. این موضوع تنها اختصاص به شیوه زندگی گذشته در شهرهای ایرانی ندارد، بلکه می‌توان گفت در بسیاری از موارد شناخت و کشف عناصر حیات اجتماعی در گذشته تاریخی اقوام و قضاوت درباره چگونگی زندگی افراد در اجتماعات پیوسته به صورت موضوعی در حد ظن و گمان باقی مانده است. به نظر یکی از محققان؛ "بخش عظیمی از دستاوردهای تمدن سکونت در این مملکت از نظرها پنهان مانده است. اگر چه تاریخ سکونت به بیش از ده هزار سال می‌رسد" (ورجاوند، ۱۳۷۰: ۴۵). بدیهی است ترتیبات زندگی از نوع شهرنشینی در گذشته به روال کنونی نبوده است. پراکندگی جمعیت در مناطق اطراف شهرها، اختصاص مکان شهری به ساکنان بر حسب قوم و خویشاوندی و یا مذهبی از جمله شیوه‌های زندگی در گذشته بوده است. می‌توان گفت خصوصیات شهرنشینی و شهرسازی ایران، به رغم غنای خود، همانند طراحان و برنامه‌ریزان آنها گمنام باقی مانده است. آبادی‌های نوع شهر محل تمرکز نیروهای حکومت و دوائر دولتی بوده‌اند و انجام مبادلات تجاری بخشی از کارکرد شهرهای بزرگ را شامل می‌شده است. بنا به نظر بسیاری از محققین شهری ویژگی شهرهای باستانی در ایران ساخت و گسترش دولتی آن‌ها بوده است. بدین روال شاید بتوان گفت محلات شهری و یا مکان‌های کوچک شهری در گذشته‌های دور نقش حاشیه‌ای در فعالیت‌های شهری به عهده داشته‌اند (معصومی، ۱۳۹۰: ۷۶).

مطالعه تاریخی محلات شهری در زمان گذشته کمی دشوار بود، چرا که منابع علمی موجود فاقد اطلاعات لازم از چگونگی دقیق پیوند اجتماعی، فعالیت و مشترکات مردم در نواحی شتاخته شده شهر که همان محله است می‌باشند. در حالی که شناخت محلات در گذشته خود نمی‌تواند کمک بزرگی در ارائه تصویر واقعی از زندگی در نواحی شهری و تولید تجربیات قابل استفاده باشد. گفته می‌شود در شهرسازی سنتی دو نوع زندگی بین مردم بیشتر رایج بوده است؛ یکی زندگی خصوصی (خانوادگی) و دیگری زندگی عمومی یا جمعی بوده است. بدیهی است در حالت دوم ارتباط اجتماعی در یک فضایی همسایگی (محله) از لازم و ملزومات زندگی شهری بوده است. فضای عمومی همان مکان اجتماعی و دارای هویت خاص بوده است که

ارتباطات برون خانوادگی در آنجا برقرار بوده و افراد به منظور رفع نیازهای مختلف اقتصادی و اجتماعی اوقاتی از زمان خود را در آنجا سپری می‌کردند. اگر چه فضایی عمومی در شهرهای تاریخی در ایران هیچ‌گاه توسعه کافی و یا برابر با سنت شهرنشینی در کشورهای غربی را نداشته است (پیران، ۸۷: ۱۳۷۶).

ارتباط خانواده‌ها با یکدیگر، بازی کودکان باهم، روابط مردم محله‌ها، محل اجتماع و انجام مراسم مختلف در شهرهای ایران لزوم برقراری رابطه صمیمی و اجتماعی مردم با یکدیگر اشاره دارد. به کمک مشاهدات تاریخی می‌توان گفت محلات در ساختار شهرهای تاریخی همانا حوزه‌های شهری و نواحی اتصال جغرافیایی و اجتماعی بوده که با کارکردهای مختلفی باعث پیوند افراد ساکن در این نواحی را سبب می‌گردید. این موارد در بسیاری از اشکال محله و نواحی شهری در ایران به خوبی مشهود است. به طور کلی جامعه ایرانی دارای سنت شهرنشینی طولانی است. تمدن در این کشور مراحل مختلفی را طی کرده است. ویژگی‌های شهر در دوران قبل از اسلام با دوران بعد از آن متفاوت است. شالوده شهر ایرانی در چهار عامل اصلی قابل تشخیص است و آن عبارتند: فضای مسکونی (محله)، فضای اقتصادی (بازار)، فضای تاسیساتی (آب انبار، گرمابه، مسیر فاضلاب...) و شبکه راهها، از جمله تحولات در نماد فیزیکی شهری در دوران پس از اسلام در ایران و عامل مهم در برقراری حیات شهری، فضای اجتماعی و فرهنگی مساجد می‌باشند که کارکرد آن‌ها گذشته از محل عبادت و نیایش مردم عبارت بود از یک کانون مورد احترام و مقدس در ایجاد ارتباط و الفت بین ساکنان شهر و محله. تحول شهری در ایران تغییر کارکردهای بخش‌های مختلف در شهر را همراه داشته است. با گسترش شهرنشینی و ظهور اشکال جدید در سبک و معماری، نواحی شهری نیز دستخوش تغییرات گردید. به طوری که در دوران متأخر از تاریخ، شهرهای بزرگ به تدریج به محلات مختلف تقسیم شدند. محله‌های شهری در حکم شهرک‌های کوچک در دل شهرهای بزرگ بوده‌اند. ویژگی این محلات عبارت بود از برخورداری از هویت فرهنگی و اجتماعی و برای ساکنان آنها نوعی امنیت اجتماعی را در قبال محیط عمومی تر مهیا می‌ساخته است (معصومی، ۷۸: ۱۳۹۰).

### ۲-۳-۱-۳- مفهوم محله در شهرهای ایران

محله به مثابه سلول اصلی شهر سنتی در ایران سکونتگاه قوم، نژاد، مذهب یا فرقه‌ای خاص است. جامعه شهری رنگ گرفته از نظام عشیره‌ای، در روند شکل‌گیری خود مجموعه‌های را ایجاد کرد که به محله معروف شدند. از ابتدای بنای شهرهای اسلامی و حتی قبل از اسلام، هر قوم و قبیله‌ای تحت شرایط خانوادگی، منافع مشترک و شبکه‌های خویشاوندی محله‌ای جداگانه در شهر بنا می‌کرد. نیاز همبستگی داخلی از یک سوء و تجدید گروه اجتماعی خودی در مقابل دیگران از سوی دیگر، لزوم خود کفایی نسبی را در زمینه خدمات و تأسیسات لازم را توجیه می‌کرد. همبستگی اجتماعی - فرهنگی سبب ایجاد عامل روانی تعلق به محله و پیروی افراد از آداب و رسوم واحد و همچنین احساس تمایز نسبت به ساکنان دیگر محله‌ها بود. ساکنان محله نسبت به یکدیگر و در محله، دارای وظایف و حقوق خاصی بودند؛ و خود را جزئی از جمع، و بقا و آسایش خود را در کارایی مجموعه

می‌دیدند. این احساس همبستگی شدید، باعث نسبت به ساکنان دیگر محله‌ها و شهر می‌شد. شکل‌گیری محله‌های حیدری‌خانه و نعمتی‌خانه در دوره صفویه در بیشتر شهرهای ایران از جمله شیراز و اصفهان را می‌توان از نمونه‌های از این موضوع دانست. روابط اجتماعی حاکم به صورت بسیار ظریفی در شکل‌گیری و استخوان‌بندی محله مؤثر بود و شبکه ارتباطی و مرکز محله و دیگر عناصر کالبدی مانند آب‌انبار، مسجد حسینیه، سقاخانه و حمام تعریف می‌کرد. تحت تأثیر چنین شرایط اقتصادی و اجبار به خود کفا بودن نسبی، در هر محله تأسیسات اقتصادی ویژه‌ای برپا می‌شد و مرکزی در خود داشت که همه مایحتاج روزانه خود و کوتاه مدت محله را فراهم می‌ساخت. بافت کالبدی محله به عنوان تبلور فضایی شرایط اجتماعی-اقتصادی در رأس انسجام و همگنی خاصی بود. به عبارت دیگر، عوامل مذکور باعث به وجود آمدن عناصر کالبدی محله می‌شد و مجموعه‌ای از عناصر مذکور در مراکز مسکونی، محیطی را پدید می‌آورد که نمایانگر روابط متقابل ساکنان در ارتباط روزمره آنان بود (پاکزاد، ۱۸، ۱۳۶۱).

"در شهرهای ایران در دوره اسلامی به لحاظ وضعیت محله‌های شهری چنین شرایطی حاکم بوده. به گونه‌ای که تعداد خانه‌های موجود در محله‌های اصفهان مانند عباس‌آباد، بیش از دو هزار خانه، شمس‌آباد ۶۱۱ خانه، طوقچی ۸۰ و دردشت ۸۵ خانه بوده. گزارش فارس‌نامه ناصری در مورد شیراز حکایت از وجود ۳۱۸ خانه در محله باغ مزار، ۶۸۷ خانه در محله اسحاق‌بیگ و ۱۰۱۰ خانه در محله درب شاهزاده بوده است. محله‌بندی دارای معیارهای متفاوت بوده است، به گونه‌ای که در ساری ۱۳، در آمل ۹، در شیراز ۱۱، نائین ۷، اصفهان ۲۳ و تهران ۵ محله وجود داشته است" (ضیاء‌توانا، ۱۷۷، ۱۳۷۰).

اصول و عناصر تشکیل‌دهنده محله در نظام سنتی، تحت تأثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی و مبتنی بر شرایط توسعه درون‌زا بود که نقش غالب را فرهنگ سنتی ایفا می‌کرد. این شرایط تا این اواخر دروه قاجاریه کمتر دستخوش تغییرات بنیادی گردید، اما بررسی تحولات دوران معاصر نشان می‌دهد که متأثر از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر کشور، ماهیت شهرها دچار دگرگونی اساسی شد. با ورود اتومبیل، پیچیده شدن تقسیم‌ها و مهاجرت روستاییان به شهرها گذر از نظام سنتی و ورود به فضایی جدید توسعه در شهرها در قالب نظام فعلی با ایجاد تغییرات بنیادی رغم خورد.

« توجه به توسعه برون‌زا و نگاه به خارج تأثیرات خود را بر نحوه شکل‌گیری فضاهای شهری بجای می‌گذارد. در این شرایط شهر از نظر ذهنی- و نه عینی- کارایی خود را از دست می‌دهد و در نتیجه آن دخالت‌های سنگین عینی و مادی در کالبد شهر رخ می‌نماید. این در حالی است که ذهنیت شهر در هویت کهن آن باقی می‌ماند. ذهنیت شهر مطابق باورهای شهروندان در فراسوی عینیت دگرگون شده‌ی آنها مطابق خواست دولت پهلوی از شهر به حیات خود ادامه می‌دهد. این ذهنیت نه تنها چون خاطره‌ای از دوران گذشته، بلکه به عنوان عنصر هویت‌دهنده به شهروند در فضای شهر و به ساکن محله در فضای محله‌ای در عرصه زمان باقی می‌ماند، اگر در سبک تهران در دوران قاجار، در هم آمیختگی مفاهیم غرب و شرق با تفوق شرق پایان می‌پذیرد، در الگوی تهران دولت پهلوی این آمیزش به نفی شرق و مفاهیم آن غلبه کامل غرب و مظاهر کالبدی

آن ختم می‌شود. لذا عصر تقابل در دولت قاجار به عصر تضاد در دولت پهلوی و بعد از آن ختم میشود» (حبیبی، ۱۵۷، ۱۳۸۳).

بدین ترتیب محله‌ها با تحولات مختلفی مواجه شده‌اند که از دو منظر قابل بررسی است: یکی توجه به محله در قالب تحولات اقتصادی و اجتماعی و نظام سیاسی حاکم بر کشور که به وسیله دولت مردان و مدیران ملی صورت گرفته و همواره در ادوار مختلف تاریخی اعم از اسلامی، قاجار، پهلوی و پس از انقلاب اسلامی این تصمیمات توانسته است تأثیرات خود را به‌جای نهد. دیگری تأثیر پذیری محله ایرانی از تحولات نظام جهانی و تغییرات اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی که الزامات هر یک نیز تأثیرات ویژه‌ای داشته است. از این منظر در زمان حاضر در تعریف از محله تغییراتی بنیادی کرده است و بیشتر ضوابط رسمی و قراردادی مبنای تعریف محله است، به گونه‌ای که بر همین اساس تهران در وضعیت فعلی به ۳۷۷ محله و اصفهان به ۴۱۸ کوی و محله برای اداره بهتر امور تقسیم شده، در حالی که تهران در دوره قاجاریه ۵ و اصفهان دارای ۳۶ محله بوده است.

در تعریف و تبیین مفهوم محله در شهرهای ایران این واژه را می‌توان از دو منظر تاریخی و قانونی مورد بررسی قرار داد. در برداشت تاریخی خصوصیات غالب شهرهای اسلامی در ساختار کالبدی و اجتماعی شهرها به واسطه تأثیر پذیری از هویت ایرانی- اسلامی نمود بارزی داشته است، به گونه‌ای که محله به عنوان یکی از اجزاء و عناصر شهر ایرانی- اسلامی و تشکیل دهنده ساختار و استخوان‌بندی شهر تلقی می‌شود و محدوده آن نیز به واسطه وابستگی قومی، نژادی و مذهبی و حرفه‌ای و طبقاتی تعریف شدنی است. این برداشت در گذر زمان دچار تغییر و تحولاتی شد، به گونه‌ای که در نظام شهرنشینی و شهرسازی کشور محله‌های سنتی کمتر به مصداق گذشته با کارکردهای قابل انتظار آنها وجود دارد. در برداشت حقوقی و قانونی، بررسی قوانین فعلی نشان می‌دهد مهم‌ترین قانونی که محله در آن تعریف شده است، قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری ۱۳۶۲ است. «طبق تبصره ۲ ماده ۴ این قانون محله مجموعه ساختمان‌های مسکونی و خدماتی است که از لحاظ بافت اجتماعی ساکنان خود را اهل آن می‌دانند و دارای محدوده معین است. حدود محله‌های شهری تابع تقسیمات شهری است. در شهرهای بزرگ از بهم پیوستن چند محله شهری، منطقه شهری تشکیل می‌شود» (عبداللهی، ۱۳۸۶: ۱۷).

« اگر چه قانون تشکیلات شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۶۱ نیز برای اداره امور محله‌های شهری، تشکیل شوراهای محله را پیش بینی کرده، اما این قانون با قانون وظایف، تشکیلات و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن نسخ گردید» (حیدرنیا دلخوش، ۱۳۸۱، ۷۰). «در شهرسازی نیز توجه به مفهوم محله در قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن مورد تأیید قرار گرفت. از آنجا که طرح‌های مصوب شهری به عنوان اسناد توسعه شهرها قلمداد می‌شود و ملاک عمل دستگاه‌های اجرایی و به ویژه مدیریت شهری برای اداره امور شهرهاست، ضرورت دارد تا در قالب مشخص و تعریف معین ردپای محله و محله بندی در این طرح‌ها پیش‌بینی شود، در حالی که این مفهوم هویت و جایگاه خاصی در این طرح‌ها نداشته است» (خاکساری، ۱۳۸۵: ۵۲).